

سیستان اعنه هون آنچه عینی نه و ناقص و سیان اینست چو لعنت، نیازی نیست

نواوری چیست؟

(۲)

دکتر حمزه گنجی

کاهی اتفاق می‌افتد که انسان برای حل مشکلات خود، راهبردهای تازه‌ای کشف می‌کند. این جاست که از نواوری سخن به میان می‌آید. در این هنگام خیال می‌کنیم که حتماً باید موضوع تازه‌ای مطرح کرد، موضوعی که قبلاً درباره آن سخنی گفته نشده است. همین طور، وقتی از تعلیم و تربیت نوین یا نواوری آموزشی صحبت می‌کنیم، چنین به نظر می‌رسد که هرچه تا به حال بوده است، باید کنار گذاشته شود و برای حل مسائل آموزشی، راه حل‌های کاملاً تازه‌ای به وجود آید. واقعیت این است که انسان‌ها در مرورهایی، از نواوری صحبت می‌کنند و می‌خواهند برای حل دشواری‌های خود، راهبردهایی ابتکاری به وجود آورند. اما می‌توان گفت که در عصر حاضر، بیش‌تر از همیشه به نواوری، مخصوصاً نواوری آموزشی نیاز است. زیرا پیشرفت انجاری فناوری و وسایل ارتباط جمعی در حدی است که عدم هم‌کامی با آن‌ها موجب عقب ماندگی خواهد شد.

همه از نواوری سخن می‌گویند، همه می‌خواهند برای حل دشواری‌های خود، راهبردهای ابتکاری بیابند. اما در تعریف نواوری اتفاق نظر ندارند. به عقیده گروهی از روان‌شناسان که «روان تحلیل‌گران» نامیده می‌شوند، نواوری همان تضییع است. تضییع یعنی: جایه‌جایی تمایلات درونی در جهت تعالی یک هدف اجتماعی پسند و سطح بالا.

اما انسان‌گرایان، نواوری را معادل «خود شکوفایی»^۱ می‌گویند و می‌توانند انسان‌ها می‌توانند توانایی‌های خود را رشد دهند و مطابق زمان پیش بروند. گروه دیگری از روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت که به مطالعه هوش و عوامل تشکیل دهنده آن می‌پردازند، معتقدند که نواوری یعنی تفکر و اگراء^۲.

تعريف اخیر، یعنی: «معادل دانستن نواوری با تفکر و اگرا»، را اکثريت قریب به اتفاق روان‌شناسان و مربيان تعلیم و تربیت می‌پذيرند. تفکر و اگرا یعنی بیرون رفتن از چارچوب یا از قالب موجود و در حاشیه فکر کردن؛ تفکر و اگرا یعنی: انحراف از افکار سنتی و کاملاً دیگته شده. برای روشن‌تر شدن این مفهوم مثالی آورده می‌شود:

فردی از شما می‌پرسد: «مشهورترین اسب دنیا چه نام دارد؟» پاسخ شما می‌تواند چنین باشد: رخش،

دُلُل، اسب تازی، اسب ترکمن، و... بنابراین، شما به دنبال اسم حیوانی می‌گردید که از آن به عنوان اسب نام برده می‌شود. شما همان کاری را انجام می‌دهید که اکثر مردم انجام می‌دهند؛ یعنی دنبال اسم یک اسب واقعی می‌گردید که مشهورتر از بقیه انواع آن باشد. این نوع تفکر نه تازه است، نه نوآوری دارد و نه واکرا ناممی‌شود. زیرا اکثر مردم همین کار را انجام می‌دهند. در واقع، اگر شما برای حل یک مسأله بسیار دشوار، راه‌های موجود را پیدا کنید، آدم نوآور یا خلاق به حساب نخواهید آمد. همین طور، دبیر یا دانش‌آموزی که می‌نواند مسأله ریاضی، فیزیک یا شیمی بسیار دشوار را با راه حل‌های از پیش موجود حل کند، هرگز نوآور یا خلاق به حساب نخواهد آمد. نوآور به کسی کفته می‌شود که افکارش متقاوat از افکار دیگران باشد و در عین حال، به حل مسأله کمک کند. با وجود این، کسی که بگوید: «مشهورترین اسب جهان، اسب بظار نام دارد»، فردی نوآور است و تفکر واکرا دارد. او، چارچوب از پیش تعیین شده را در هم می‌شکند، پای از گلیم خود بیرون می‌گذارد و راه‌های تازه را می‌آنماید.

پانوس

برگ جلد سوم انسانی

1. sublimation
 2. self realisation
 3. divergent thinking